

# بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی و روانی دوستی و معاشرت دختر و پسر قبل ازدواج

مریم روشن نیا

کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاداسلامی، واحدبابل، ایران

مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، دوره اول، شماره اول، آبان ۱۳۹۵، صفحات ۵۱-۴۲

## چکیده

پژوهش حاضر به بررسی عوامل موثر بر نگرش جوانان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج پرداخته و این تحقیق به لحاظ روش از نوع پیمایشی بوده است. جامعه آماری این مطالعه تمامی دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه آزاد آمل می باشد که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۶۳ نمونه به عنوان حجم نمونه توسط نمونه گیری تصافی (اتفاقی) انتخاب شدند. که تعداد ۱۸۱ نفر مرد و ۱۸۲ نفر زن بوده اند. همچنین برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. به منظور تحلیل متغیرهای مورد مطالعه، با استفاده از نرم افزار SPSS و روش های آماری همبستگی، رگرسیون، آزمون T و آزمون های آماری پارامتریک استفاده شده است. طبق یافته های تحقیق بین عوامل مستقلی چون عوامل جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی و روانی با متغیر وابسته که نگرش دانشجویان نسبت به دوستی و معاشرت با جنس مخالف، قبل از ازدواج بوده رابطه معنی دار دارند. نتایج تحقیق نشان می دهد که عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی و روانی در نگرش دانشجویان نسبت به دوستی و معاشرت با جنس مخالف، قبل از ازدواج تاثیرگذارند. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، تمایل مردان به برقراری دوستی و معاشرت با جنس مخالف در مقایسه با زنان، بیشتر بوده است و همچنین خانواده دانشجویان نسبت به دانشجویان نگرش منفی تری به این گونه معاشرت ها داشته اند.

**کلید واژه ها:** نگرش، عوامل فرهنگی و اجتماعی، بهداشت روانی، معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج

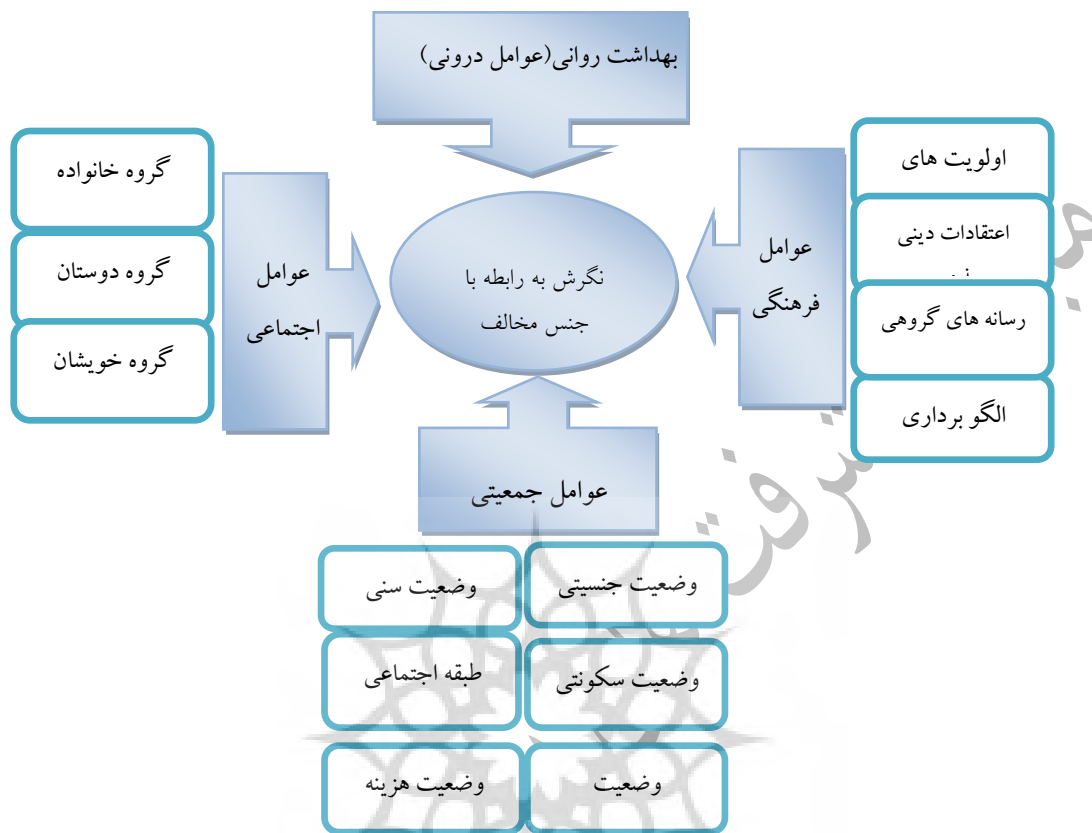
## مقدمه

انسان موجودی است اجتماعی و در زندگی اجتماعی، ارتباط از اهمیت ویژه ای برخوردار است برقراری ارتباط به شکل موثر و یا ضعیف بخش اصلی زندگی ما را تشکیل می دهد و همه فعالیت های ما نوعی ارتباط محسوب می گردد. مطالعات بیانگر آن است که مردم به طور متوسط ۷۰٪ از اوقات خود را صرف ارتباط با دیگران می کنند و قسمت اعظم رفتار آنان تحت عنوان رفتار ارتباطی است (اسدی، ۱۳۸۵) در هر جامعه، گروه یا قبیله، ارزش ها، الگوها و نگرش های ویژه ای وجود دارند کهحتی شامل آداب و عادات تغذیه، سبک پوشش، رفتار و کردار و سایر مسایل روزمره واجتماعی نیز میشود. امروزه یکی از مسائلی که جوانان ما را در تضاد و تنش قرار می دهد، چگونگی روابط دختر و پسر با توجه به گرایش های فرهنگی، دینی، عرفی، اجتماعی و خانوادگی او می باشد. در حالی که در بسیاری از کشورهای جهان آزادی رابطه دختر و پسر مشهود است، نسل جوان ما نمی داند با این موضوع چگونه برخورد کند. (میرزایی و برغمندی، ۱۳۸۹) و این امر بعنوان یکی از مسائل فرهنگی اجتماعی جامعه ما مطرح است. این مسئله هنوز در جامعه ما به طور کامل حل نشده و جایگاه درخورد خود را نیافته است. اگر چه گرایش به این ارتباط ناشی از نیازهای زیستی - روانی و اجتماعی است ولی در این مورد ادیان، مکاتب و فرهنگ ها الگوهای متفاوتی ارائه کرده اند. این که نوجوانان از چه الگویی تبعیت می کنند به عوامل و متغیرهای متعددی وابسته است (یوسفی، ۱۳۸۶). با شروع دوران بلوغ، نوجوانان دوران پر تلاطمی را پشت سر می گذارند که این دوران برای آنان و خانواده هایشان از اهمیتی ویژه برخوردار است. هر تصمیم حساب شده در رابطه باجنس مخالف آنان را به سرچشمه خیر و نیک خواهی هدایت خواهد کرد و هر تصمیم ناهنجار و نامعقول، سرانجامی جز بدفرجامی و شکست به دنبال نخواهد داشت، به همین دلیل است که ایندوران را دوران طلایی عمر هر انسانی تشبیه می کنند که در آن آینده نوجوانان با توجه به تصمیم هایی که اتخاذ خواهد کرد رقم می خورد (رفاهی، گودرزی و میرزایی، ۱۳۹۱). در این پژوهش نگارنده با ارزیابی نگرش جوانان در خصوص رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج به دنبال بررسی علل و عوامل موثر بر آن می باشد. در تمامی جوامع جهان نحوه رابطه دو جنس از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در هر دوره تاریخی شکل ویژه ای به خود گرفته است. بسیاری از کشورهای صنعتی غربی، اعمال کنترل بر گزینه ها را مناسب نمی دانند، اما به نظر می رسد این وضع نیز مشکلات جدیدی را برای آنان به همراه آورده باشد. اما باید دید این وضع در کشور ما چگونه است؟ آیا بین فرهنگ سنتی و دینی ایران و سطح مادی فرهنگ یا فناوری و سرعت ورود آنها رابطه وجود دارد؟ تا چه اندازه رسانه های گروهی بر رفتار یا فرهنگ مؤثر بوده اند و نقش کدام بیشتر یا کمتر است؟ رسانه های گروهی را می توان در دو سطح رسانه های ایران نظیر صدا و سیما، مطبوعات و غیره و رسانه های گروهی خارجی نظیر ماهواره و مجله های خارجی و نیز اینترنت، بررسی کرد. افراد بیشتر به کدام یک از این رسانه ها تمایل دارند و چه رابطه ای بین این تمایل و تمایلات آنها به جنس مخالف وجود دارد؟ (میرزایی و برغمندی، ۱۳۸۹).

این مطالعه در صدد پاسخگویی به این سولات است، که جوانان چه نگرشی نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج دارند؟ و این نگرش چه رابطه ای با عوامل فرهنگی، اجتماعی، جمعیتی و درونی آنان دارد؟ تا شاید راهگشای پژوهش هایی

در زمینه ی شناخت نگرش های جوانان به ویژه دانشجویان، در زمینه معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج گردد. زیرا با فهم نگرش و ارزش های جوانان درباره ی این مسئله می توان تا حدودی به پیش بینی رفتار آنان در آینده دست یافت و با شناخت رفتار جوانان در این زمینه، می توان آنها را از خطرات روانی، اجتماعی و بهداشتی که آنان را تهدید می کند آگاه ساخت. همچنین نتایج این مطالعه می تواند برای مسئولان فرهنگی جامعه در یافتن راه های هنجارمند، دینی و پذیرفته شده برای چنین روابط بین شخصی راهگشا باشد. در مطالعه ای که با عنوان بررسی آگاهی ها نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران پرداخته است. هدف از مطالعه شناخت آگاهی ها نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در حوزه فرهنگ (نیروها، هنجارها و ارزش های اجتماعی و فرهنگی -زمینه های فرهنگی جاری اجتماعی) بوده است و نتایج اظهار داشت که میزان موافقت با معاشرت قبل از ازدواج رقم بالایی را نشان می دهد (۶۸/۶ درصد) که در این میان گروه سنی ۱۶-۲۴ بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است (۷۴/۹ درصد). در این پژوهش نیز با افزایش سن میزان موافقت کاهش می یابد و به صورتی که در گروه های سنی ۵۵ ساله به بالا، تنها ۶۴/۷ درصد موافقت خود را با معاشرت قبل از ازدواج ابراز داشته اند. در تحقیقی دیگر که توسط مگنسون (۲۰۰۱) با عنوان نگرش جنسی دختران نوجوان و روابط جنس مخالف در سال ۱۹۷۰ و ۱۹۹۶ انجام شد، نتایج آن نشان داد که دختران طی سال های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۶ در مورد مسائل جنسی فکر و احساس مشابهی داشتند، نتایج تحقیق نشان می دهد تمایلات جنسی به مفهوم کاملا مشابه رشد در زندگی دختران نوجوان مشابه ۲۵ سال پیش است، با این حال، تفاوت در میزان شیوع روابط با جنس مخالف در مقایسه با دختران در سال ۱۹۷۰، دختران در سال ۱۹۹۶ روابط کمتر جنسی داشتند. این مطالعه نشان می دهد که بلوغ ادراکی، بدنی و رفتاری با یکدیگر رابطه مستقیم دارند. دختران با شروع زودرس مقاربت در اوایل هر دو در سال ۱۹۷۰ و در سال ۱۹۹۶ احساس جنسی با تجربه تر از سن خود را دارند. نتایج حاکی از تحقیق دوپیل و همکاران (۲۰۰۳) نشان می دهد که همبستگی منفی بین روابط عاشقانه زود هنگام مستمر و سازگاری با میانجیگری متغیرهای خانوادگی و جنسیت بود، برای دختران در خانواده هایی با ناسازگاری زناشویی بالا، روابط عاشقانه زود هنگام و طولانی با اعتماد به نفس پائین و در خانواده های اقتدارگرا با نشانه های افسردگی همراه بودند. همچنین رفاهی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود نشان دادند که به ترتیب عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی بر شکل گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج موثر است. با استفاده از آزمون تی تست نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین عوامل موثر بر شکل گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج با متغیرهای جنسیت، وضعیت، اشتغال و وضعیت تاهل وجود ندارد. همچنین در تحقیق تاجری (۱۳۸۹) یافته های تحقیق نشان داد سطح بهداشت روانی و همچنین عزت نفس دانشجویانی که هیچ گونه ارتباط غیر عرفی با جنس مخالف نداشته اند در مقایسه با دانشجویانی که به نحوی دارای چنین رابطه ای بوده اند بالاتر است در مورد پوشش، گروهی از آزمودنی ها که دارای «پوشش بیشتر» بودند نسبت به گروهی که دارای «پوشش کمتر» بودند به طور معنی داری از نظر بهداشت روانی و همچنین عزت نفس از سطح مطلوب تری برخوردار بودند.

الگوی نظری و فرضیات تحقیق



برای پاسخگویی به سوالات پژوهش، فرضیات تحقیق به شرح زیر ارائه می گردد:

- ۱- به نظر می رسد عوامل جمعیتی در معاشرت و دوستی جوانان با جنس مخالف قبل از ازدواج نقش دارند.
- ۲- به نظر می رسد عوامل درونی در معاشرت و دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج نقش دارند.
- ۳- به نظر می رسد عوامل فرهنگی در معاشرت و دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج نقش دارند.
- ۴- به نظر می رسد عوامل اجتماعی در معاشرت و دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج نقش دارند.
- ۵- به نظر می رسد نگرش دختران و پسران نسبت به معاشرت و دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج تفاوت دارد.
- ۶- به نظر می رسد نگرش جوانان و خانواده های آنان نسبت به معاشرت و دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج تفاوت دارد.

روش تحقیق

این پژوهش مبتنی بر پارادایم اثبات گرایی است که با روش پیمایش انجام شده است. جامعه آماری این مطالعه شامل تمامی دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه آزاد آمل می باشد و با استفاده از روش کوکران تعداد ۳۶۳ نفر به عنوان حجم نمونه مشخص گردید. در این تحقیق از روش نمونه گیری اتفاقی (تصادفی) استفاده شده است. براساس تکنیک انتخاب شده در این تحقیق (پیمایش) و واحد تحلیل تحقیق حاضر، اطلاعات لازم جمع آوری شده و به جامعه آماری مورد نظر تعمیم داده می شود. از جمله روش های رایج در این کار، پرسشنامه است. ابزار گردآوری در این کار، پرسشنامه محقق ساخته می باشد. بدین ترتیب که به منظور دستیابی به اهداف ذکر شده سوالاتی با توجه به فرضیات و متغیر های تحقیق تنظیم شده، در اختیار پاسخگو (نمونه مورد نظر) قرار می گیرد. با توجه به میدانی بودن مطالعه از هر سه نوع ابزار مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه استفاده خواهد شد. به طوری که پرسشنامه به عنوان ابزار اصلی تحقیق و مشاهده و مصاحبه به عنوان ابزار های کمکی به کار گرفته شد. برای دستیابی به اعتبار ابزار سنجش این پژوهش از اعتبار صوری استفاده شده است به این معنی که پرسشنامه طراحی شده توسط متخصصین و صاحب نظران (استاد راهنما، مشاور و...) ارائه و تأیید گردیده است. جهت تعیین روایی پرسشنامه از روش پایداری درونی (ضریب آلفا کرونباخ) استفاده گردید. با توجه به میزان ضریب آلفا ۰/۸۷ و نظر به اینکه گفته می شود اگر ضریب آلفا بیشتر از ۰/۷ باشد، آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار است. لذا نتایج، شرایط پایایی پرسشنامه را تأیید می نماید. جدول زیر ضریب آلفای طیف های مورد استفاده را در این تحقیق که به روش مقیاس لیکرت با پنج گزینه طراحی شده اند، نشان می دهد.

جدول ضریب آلفای مفاهیم تحقیق در مطالعه ی مقدماتی:

جدول ۱. روایی (آلفای کرونباخ)

مفهوم	شاخص متغیر ها	تعداد گویهها	مقیاس	ضریب روایی (آلفای کرونباخ)
نگرش جوانان	نگرش جوانان در خصوص معاشرت و دوستی	۱۵ گویه	ترتیبی	۰/۸۲
	دریافت های درونی (بهداشت روانی)	۱۸ گویه	ترتیبی	۰/۷۴
	عوامل فرهنگی	۸ گویه	ترتیبی	۰/۷۳
	عوامل اجتماعی	۱۹ گویه	ترتیبی	۰/۷۱

## یافته ها

نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بیان رابطه بین دو متغیر بهداشت روانی و تجربه دوستی با جنس مخالف،  $r = 0/164$  و سطح معنی دار  $p = 0/002$  می باشد. با توجه به آنکه سطح معنی داری آزمون کوچکتر از  $(p < 0/05)$  می باشد، وجود رابطه خطی معنی داری مابین دو متغیر مزبور را تایید می نماید. همچنین بر اساس ضریب همبستگی  $r = 0/164$  بین متغیرهای همبستگی مثبت ضعیف وجود وجود دارد. عبارتی افرادی که از سطح سلامت، بهداشت روانی و دریافت های درونی پایین تری برخوردار می باشند، از تعداد بالاتری از تجربه دوستی با جنس مخالف برخوردار می باشند، در مقابل افرادی که از سطح سلامت، بهداشت روانی بالاتری برخوردارند به مراتب دوستی با جنس مخالف را تجربه نکرده و یا دارای تعداد پایین تری از تجربه دوستی با جنس مخالف می باشند. همچنین نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بیان رابطه بین دو متغیر بهداشت روانی و نگرش افراد در خصوص دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج،  $r = 0/024$  و سطح معنی دار  $p = 0/646$  می باشد. با توجه به آنکه سطح معنی داری آزمون بزرگتر از  $(p > 0/05)$  می باشد، وجود رابطه خطی معنی داری مابین دو متغیر مزبور را تایید نمی نماید. عبارتی سطح سلامت، بهداشت روانی و دریافت های درونی افراد، بر روی نگرش افراد در خصوص دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج موثر نمی باشد. همچنین نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بیان رابطه بین دو متغیر عوامل فرهنگی و نگرش افراد به معاشرت و دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج،  $r = 0/595$  و سطح معنی دار  $p = 0/000$  می باشد. با توجه به آنکه سطح معنی داری آزمون کوچکتر از  $(p < 0/05)$  می باشد، وجود رابطه خطی معنی داری مابین دو متغیر مزبور را تایید می نماید. همچنین بر اساس ضریب همبستگی  $r = 0/595$  بین متغیرهای همبستگی مثبت متوسط وجود دارد. عبارتی عوامل فرهنگی در نگرش افراد به معاشرت و دوستی با جنس مخالف در حد قابل توجهی تاثیر گذار است؛ به طوری که کاهش پایبندی و تمایل به هنجارهای فرهنگی و اعتقادی و گرایش به سمت عوامل ناهنجار فرهنگی باعث می گردد تمایل به برقراری ارتباط، معاشرت و دوستی با جنس مخالف تا حدودی زیادی افزایش یابد و در مقابل افزایش سطوح پایبندی و تمایل به هنجارهای فرهنگی و اعتقادی موجب می گردد که افراد تمایل و انگیزه کمتری به برقراری ارتباط، معاشرت و دوستی با جنس مخالف داشته باشند. نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن برای بیان رابطه بین دو متغیر الگوهای فرهنگی و نگرش افراد به معاشرت و دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج،  $r = 0/236$  و سطح معنی داری  $p = 0/000$  می باشد. با توجه به آنکه سطح معنی داری آزمون کوچکتر از  $(p < 0/05)$  می باشد، وجود رابطه خطی معنی داری مابین دو متغیر مزبور را تایید می نماید. همچنین بر اساس ضریب همبستگی  $r = 0/236$  بین متغیرهای همبستگی مثبت ضعیف وجود دارد. عبارتی استفاده از الگوهای فرهنگی در نگرش افراد به معاشرت و دوستی با جنس مخالف در حد قابل توجهی تاثیر گذار است؛ به طوریکه با افزایش تمایل افراد به سمت الگوهای فرهنگی بی ارزش تر و ناهنجار همانند بازیگران سینما، خواننده ها و مدل ها تمایل به برقراری ارتباط، معاشرت و دوستی با جنس مخالف تا حد قابل توجهی افزایش می یابد و در مقابل افرادی که بیشتر به سمت الگوهای فرهنگی ارزشمند تر، پایدار و هنجار جامعه همانند شهدا، ایثارگران، نویسندگان و متفکران گرایش دارند غالباً تمایل به برقراری ارتباط، معاشرت و

دوستی با جنس مخالف تا حد قابل توجهی کاهش می یابد. همچنین نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بیان رابطه بین دو متغیر هویت دینی و نگرش افراد به معاشرت و دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج،  $r = 0/540$  و سطح معنی دار  $0/000 = p$  می باشد. با توجه به آنکه سطح معنی داری آزمون کوچکتر از  $(p < 0/05)$  می باشد، وجود رابطه خطی معنی داری مابین دو متغیر مزبور را تایید می نماید. همچنین بر اساس ضریب همبستگی  $r = 0/540$  بین متغیرهای همبستگی مثبت متوسط وجود دارد. به عبارتی هویت دینی و اعتقادی در نگرش افراد به معاشرت و دوستی با جنس مخالف تاثیر گذار است به طوری که با کاهش سطوح اعتقادی افراد تمایل به برقراری ارتباط، معاشرت و دوستی با جنس مخالف افزایش می یابد و در مقابل در بین افراد معتقد و پایبند به اصول اعتقادی تمایل و انگیزه به برقراری ارتباط، معاشرت و دوستی با جنس مخالف کاهش می یابد.

### بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول در خصوص نقش عوامل جمعیتی در معاشرت و دوستی جوانان با جنس مخالف قبل از ازدواج بود. بر اساس یافته های پژوهش عوامل جمعیتی در معاشرت و دوستی جوانان با جنس مخالف قبل از ازدواج نقش دارند. بنابراین نتایج پژوهش فرضیه اول را تایید می کند. سن افراد بر میزان تمایل آنها به برقراری رابطه، معاشرت و دوستی با جنس مخالف موثر نمی باشد. نتایج این پژوهش با نتایج محسنی (۱۳۷۸) در خصوص اینکه با افزایش سن، میزان موافقت با روابط جوانان قبل از ازدواج کاهش می یابد. بر اساس نتایج این تحقیق با افزایش سن، میزان موافقت با روابط جوانان قبل از ازدواج کاهش می یابد، مغایرت دارد. نوع گروه های تحصیلی در نگرش افراد موثر می باشد، بطوری که افراد متعلق به گروه فنی مهندسی در برقرار ارتباط و معاشرت با جنس مخالف نسبت به سایر گروه های تحصیلی از تمایل بالاتری برخوردار می باشند. نتایج این پژوهش با یافته های جوکار (۱۳۸۳) که نشان دهنده تمایل بیشتر گروه های تحصیلی فنی و مهندسی نسبت به علوم انسانی در رابطه با جنس مخالف بود همخوانی داشته است. انگیزه و میل جنسی همانند سایر انگیزه های بنیادین آدمی، بخش جدایی ناپذیر ماهیت زیستی - روانی - اجتماعی او را تشکیل می دهد و روشن است که کیفیت ارضای این انگیزه نقش بسیار مهمی را در سلامت فرد و اجتماع و دستیابی به آرامش و آسایش را ایفا می کند (نیکخو و آوادیس یانس، ۱۳۸۳). اما همانطور که روشن است بهره مندی از فواید موجود در رابطه بین دو جنس منوط به وجود شرایط مساعد و مناسب و البته داشتن مهارت صحیح ارتباطی می باشد، چه اینکه درعین حالی که داشتن یک رابطه مناسب با جنس مخالف آثار و فواید جسمی، روانی و اجتماعی به همراه دارد، وجود روابط معیوب و نابهنجار نیز می تواند موجب بوجود آمدن اثرات منفی و زیانبار در انسان گردد. بنا براین عدم شناخت دقیق انگیزه جنسی و شیوه های درست و اخلاقی ارضای آن می تواند موجب بسیاری از ناخرسندی ها و کجروی های فردی و متعاقب آن موجب نابسامانی های اجتماعی شود (نیکخو و آوادیس یانس، ۱۳۸۳). فرضیه دوم این پژوهش در خصوص نقش بهداشت روانی در معاشرت و دوستی جوانان با جنس مخالف قبل از ازدواج بود. بر اساس یافته های تحقیق بهداشت روانی در معاشرت و دوستی جوانان با جنس مخالف قبل از ازدواج نقش دارند، به طوریکه کاهش سلامت، بهداشت روانی و دریافت های

درونی باعث می‌گردد تمایل به برقراری ارتباط، معاشرت و دوستی با جنس مخالف تا حدودی افزایش یابد و در مقابل افزایش سلامت، بهداشت روانی موجب می‌گردد که افراد تمایل و انگیزه کمتری به برقراری ارتباط، معاشرت و دوستی با جنس مخالف داشته باشند. بنابراین نتایج پژوهش فرضیه دوم را تأیید می‌کند. نتایج این پژوهش با یافته‌های تهران‌ی و احدی (۱۳۸۹) در خصوص رابطه بهداشت روانی و رابطه با جنس مخالف همخوانی دارد. همچنین بر اساس نتایج این پژوهش همبستگی مثبت بین متغیرهای بهداشت روانی و نگرش افراد به معاشرت و دوستی با جنس مخالف برقرار است، بطوریکه کاهش بهداشت روانی با افزایش تمایل افراد به معاشرت و دوستی با جنس مخالف برقرار است. فرضیه سوم در خصوص نقش عوامل فرهنگی در معاشرت و دوستی جوانان با جنس مخالف قبل از ازدواج بود. کند. نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بیان رابطه بین دو متغیر عوامل فرهنگی و نگرش افراد به معاشرت و دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج،  $r = 0/595$  و سطح معنی دار  $p = 0/000$  می‌باشد با توجه به آنکه سطح معنی داری آزمون کوچکتر از  $(p < 0/05)$  می‌باشد، وجود رابطه خطی معنی داری مابین دو متغیر مزبور را تأیید می‌نماید. همچنین بر اساس ضریب همبستگی  $r = 0/595$  بین متغیرها همبستگی مثبت متوسط وجود دارد. عبارتی عوامل فرهنگی در نگرش افراد به معاشرت و دوستی با جنس مخالف در حد قابل توجهی تأثیر گذار است؛ به طوریکه کاهش پایبندی و تمایل به ناهنجارهای فرهنگی و اعتقادی و گرایش به سمت عوامل ناهنجار فرهنگی باعث می‌گردد تمایل به برقراری ارتباط، معاشرت و دوستی با جنس مخالف تا حدودی زیادی افزایش یابد و در مقابل افزایش سطوح پایبندی و تمایل به ناهنجارهای فرهنگی و اعتقادی موجب می‌گردد که افراد تمایل و انگیزه کمتری به برقراری ارتباط، معاشرت و دوستی با جنس مخالف داشته باشند. بر اساس یافته‌های پژوهش عوامل فرهنگی در معاشرت و دوستی جوانان با جنس مخالف قبل از ازدواج نقش دارند. بنابر این نتایج پژوهش فرضیه سوم را تأیید می‌کند. نتایج این پژوهش با یافته‌های وثوقی و دائمی (۱۳۸۴) در خصوص نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در نگرش والدین در خصوص فرزندان با جنس مخالف هم راستا است. همچنین بر اساس نتایج این پژوهش همبستگی مثبت بین متغیرهای عوامل فرهنگی و نگرش افراد به معاشرت و دوستی با جنس مخالف برقرار است، بطوری که پایبندی و تمایل به ناهنجارهای فرهنگی و اعتقادی و گرایش به سمت عوامل ناهنجار فرهنگی باعث می‌گردد تمایل به برقراری ارتباط، معاشرت و دوستی با جنس مخالف تا حدودی زیادی افزایش یابد و بالعکس. تأثیر رسانه‌ها به عنوان یکی از شاخص‌های فرهنگی در نظر گرفته شد که نشان داد تأثیر رسانه‌های خارجی بر روابط جوانان با جنس مخالف مرتبط است. و رسانه‌های داخلی و به ویژه تلویزیون غالباً مبلغ تعالیم و دستورات شرعی هستند و روابط زن و مرد را تنها در چارچوب شرع مجاز می‌دانند تأثیر مثبت تری در این مورد دارند. بسیاری از تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی دینداری و ارزشهای اجتماعی (توکلی، ۱۳۸۰؛ طالبی، ۱۳۸۰) یادآور شده‌اند که نگرانی‌های جامعه درباره‌ی دینداری پایین جوانان بی‌مورد است و شاخص‌های دینداری بالاست. در حالی که در این تحقیق نشان داده شد که علیرغم اینکه در زمینه‌ی اعتقادات دینی جوانان ما با چالشی روبه‌رو نیستند ولی نگرانی‌هایی در مورد پایبند نبودن جوانان به ارزش‌ها و ناهنجارهای دینی وجود دارد.



فرضیه چهارم در خصوص نقش عوامل اجتماعی در معاشرت و دوستی جوانان با جنس مخالف قبل از ازدواج بود. بر اساس یافته های پژوهش عوامل اجتماعی در معاشرت و دوستی جوانان با جنس مخالف قبل از ازدواج نقش دارند. بنابر این نتایج پژوهش فرضیه چهارم را تأیید می کند. نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بیان رابطه بین دو متغیر عوامل اجتماعی و نگرش افراد به معاشرت و دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج،  $r = 0/388$  و سطح معنی دار  $p = 0/000$  می باشد. با توجه به آنکه سطح معنی داری آزمون کوچکتر از  $(p < 0/05)$  می باشد، وجود رابطه خطی معنی داری مابین دو متغیر مزبور را تأیید می نماید. همچنین بر اساس ضریب همبستگی  $r = 0/388$  بین متغیرهای همبستگی مثبت متوسط وجود دارد. به عبارتی عوامل اجتماعی در نگرش افراد به معاشرت و دوستی با جنس مخالف تا حد قابل توجهی تأثیر گذار است. به طوریکه با کاهش سطوح هنجارها و اصول اجتماعی و گرایش به سمت عوامل ناهنجار اجتماعی باعث می گردد تمایل به برقراری ارتباط، معاشرت و دوستی با جنس مخالف تا حدودی افزایش یابد و در مقابل افزایش سطوح هنجارهای اجتماعی و پایبندی به اصول خانوادگی و اجتماعی افراد تمایل و انگیزه کمتری به برقراری ارتباط، معاشرت و دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج دارند. نتیجه این پژوهش با نتایج رفاهی و همکاران (۱۳۹۱)، هاولی و دهان (۱۹۹۶) که مطرح می کنند خانواده هایی که بر آگاهی دادن به نوجوانان در هر زمینه تأکید می کنند و دلیل هر کاری را برای او توضیح می دهند یک عامل حفاظتی برای نوجوانان بوده و او را در برابر خطرات اجتماعی در طول عمر واکسینه می کند همسو است. پیشنهاد می شود نظر به اینکه هرچه گرایش به رسانه های خارجی نظیر ماهواره و اینترنت بیشتر می شود، گرایش به روابط عاشقانه نیز افزایش می یابد، پیشنهاد می گردد رسانه های داخلی از جمله تلویزیون با افزایش کیفیت برنامه ها و نیز افزایش سبکها و تخصصی کردن آن ها بینندگان را مجذوب تر نموده و بیشتر اوقات فراغت آن ها را پر نمایند. در عین حال خانواده ها می توانند با طرح برنامه هایی از دوران کودکی علاقه به برخی برنامه ها را افزایش و برخی دیگر را کاهش دهند و بدین سان بخشی از ابتکار عمل در خصوص رابطه بین دختران و پسران را در دست گیرند. همچنین پیشنهاد می شود که با توجه به این که گروه هایی که دوستان دیندار، صادق و درستکار و دارای علم و دانش را ترجیح می دهند نسبت به سایر گروه ها کمتر گرایش به روابط عاشقانه دارند، پیشنهاد می شود جامعه و خانواده بر نوع و شرایط دوستان جوانان خود نظارت بیشتری را البته به صورت نامحسوس و ظریف اعمال نمایند و ترتیبی اتخاذ نمایند تا مرادده جوانان با اینگونه دوستان افزایش یابد. همچنین پیشنهاد می شود نظر به اینکه دانشجویان دیندار و باحجاب و دانشجویان دارای خانواده های دیندار کمتر از سایر دانشجویان گرایش به روابط عاشقانه دارند، پیشنهاد می شود بر روی دین به عنوان یک عامل تعیین کننده تأکید گردد.

## منابع

- اسدی، عبدالله (۱۳۸۵)، بررسی روابط دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه های شهر اردبیل، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، دوره ششم، شماره دوم، ص ۱۱۳ - ۱۱۴.
- میرزایی، خلیل و برغمندی، هادی (۱۳۸۹)، رابطه با جنس مخالف و عوامل مرتبط با آن، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۴، ص ۱۰-۱۵.
- یوسفی، زهرا؛ عابدی، محمدرضا؛ نشاط دوست، حمیدطاهر (۱۳۸۶)، بررسی نگرش والدین شهر اصفهان نسبت به روابط دوستانه دختران و پسران، فصلنامه خانواده پژوهی. سال سوم ش ۱۰. ص ۶۰۹ - ۶۰۱.
- رفاهی، ژاله، گودرزی، محمود و مرتضی میرزایی چهارراهی (۱۳۹۱)، بررسی عوامل موثر بر شکل گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه شناسی زنان، سال سوم، شماره ۱ اول، بهار ۱۳۹۱.
- تاجری، بیوک (۱۳۸۹)، «تاثیر نوع ارتباط با جنس مخالف با بهداشت روانی دانشجویان»، پاییز. ص ۸-۱.
- جوکار، بهرام (۱۳۸۳)، مقایسه نگرش دانشجویان دانشکده های علوم انسانی و مهندسی دانشگاه شیراز به دوستی دختر و پسر، مجموعه مقالات سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه تربیت مدرس، ۹۲-۹۱.
- وثوقی، منوچهر و دائمی، اکرم (۱۳۸۴)، عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر نگرش والدین نسبت به روابط میان نوجوانان دختر و پسر در شهر تهران، انسان شناسی، سال چهارم، شماره ۷، بهار و تابستان ۸۴.

Magnusson, C. (2001). Adolescent girls' sexual attitudes and opposite-sex relations in 1970 and in 1996. *J Adolesc Health*, 28(3):242-52.

Doyle, Anna Beth, Mara Brendgen, Dorothy M arkiewicz and Katy kamkar. (2003). "family relationships as moderators of the association between romantic relationships and adjustment in early adolescence". *Journal of early adolesccece*, 23(3),60-72.

Hawley, D & Dehaan, L. (1996). Toward a definition of family resilience. *Family Process Journal*, 35,15-36.